



دانشکده: حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

## پیشگیری کیفی از بزه‌دیدگی کودکان در مدارس

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد علی حاجی ده آبادی

استاد مشاور:

آقای دکتر مصطفی فضائلی

نگارنده:

ساجده سمایی

دی ماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## چکیده

کودکان در مدارس و محیط‌های آموزشی با آسیب‌های بسیاری مواجه هستند. هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان در مدارس، جلوگیری از بزه‌دیده واقع شدن و تکرار بزه‌دیدگی کودکان در این محیط می‌باشد. از مهمترین بزه‌دیدگی‌هایی که کودکان در این محیط با آن مواجه هستند می‌توان به بزه‌دیدگی‌های جسمی نظیر ضرب و جرح و قتل، بزه‌دیدگی‌های روحی و روانی چون افسردگی و اعتیاد به مواد مخدر و همچنین بزه‌دیدگی جنسی اشاره نمود. در این میان بزه‌دیدگی معنوی کودکان ناشی از نقض حقوق تحصیلی را نباید نادیده گرفت، علل و عوامل متعدد و خاصی وجود دارد که بزه‌دیدگی در این محیط را موجب گشته و یا آن را تشدید می‌کند. از جمله می‌توان به تنبیه، زورگویی و پرخاشگری، عدم قوانین و مقررات حمایتی و فرهنگ آموزشی و تربیتی غلط اشاره نمود. اما پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان در مدارس و محیط‌های آموزشی امکان‌پذیر است. در این زمینه می‌توان از پیشگیری کیفری کمک گرفت. پیشگیری کیفری از طریق تدوین قوانین و مقررات در بخش جرم‌انگاری و همچنین نظام عدالت کیفری یعنی مراجع تحقیق، تعقیب، دادرسی و اجرای احکام در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان گام بر می‌دارد. البته در این زمینه نقش پیشگیری غیرکیفری و آموزش را نیز نباید نادیده گرفت. هرچند در زمینه حمایت از کودکان در نظام عدالت کیفری گام‌های مؤثری برداشته شده، اما در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان در مدارس خلاءهای فراوانی مشاهده می‌شود. و از آنجا که مدرسه پایگاه مناسب و پویایی در جهت شکل‌گیری شخصیت کودک و جامعه‌پذیری وی ایفا می‌کند، اقدامات مناسب و لازم در این زمینه احساس می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** کودک، بزه‌دیدگی، مدارس، پیشگیری، قوانین کیفری

## فهرست

ب	چکیده
۱	مقدمه
۱	الف) بیان موضوع
۱	ب) مسأله اصلی، سؤالات فرعی
۲	ج) فرضیه‌ها
۲	د) سابقه و پیشینه تحقیق
۲	ه) ضرورت انجام تحقیق
۳	و) اهداف و کاربردها
۳	ز) روش انجام تحقیق
۳	ح) سازمان‌دهی تحقیق
۵	<b>فصل اول: کلیات</b>
۶	مبحث اول: مفاهیم
۶	گفتار اول: کودک
۷	بند اول: کودک از دیدگاه فقه
۸	بند دوم: کودک از دیدگاه قانون
۹	الف) کودک از نظر قوانین ایران
۱۱	ب) کودک از نظر کنوانسیون حقوق کودک
۱۲	گفتار دوم: مدرسه
۱۳	بند اول: مفهوم مدرسه
۱۴	گفتار سوم: بزه‌دیده و بزه‌دیدگی
۱۴	بند اول: مفهوم بزه‌دیده
۱۵	بند دوم: مفهوم بزه‌دیدگی
۱۶	الف) کودک بزه‌دیده
۱۷	ب) بزه‌دیدگی عام مرتبط با کودکان
۱۹	ج) بزه‌دیدگی خاص مرتبط با کودکان
۲۴	گفتار چهارم: پیشگیری
۲۵	بند اول: مفهوم پیشگیری
۲۷	بند دوم: انواع پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان

۲۷	الف) پیشگیری کیفی
۲۸	ب) پیشگیری عمومی و اختصاصی
۲۸	ج) پیشگیری انفعالی و فعال
۲۹	د) پیشگیری سه گانه
۳۲	ه) پیشگیری اجتماعی
۳۴	ر) پیشگیری وضعی:
۳۴	ز) پیشگیری تلفیقی
۳۵	مبحث دوم: پیشینه‌ی بزه‌دیدگی کودکان
۳۵	گفتار اول: بزه‌دیدگی کودکان در تاریخ
۳۷	گفتار دوم: بزه‌دیدگی کودکان در محیط‌های آموزشی
۴۱	مبحث سوم: اهداف و مبانی پیشگیری
۴۱	گفتار اول: جلوگیری از بزه‌دیده واقع شدن
۴۲	گفتار دوم: پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی:
۴۴	گفتار سوم: پیشگیری از بزهکاری در آینده
۴۵	گفتار چهارم: پیشگیری از بزه‌دیدگی دوباره کودکان بزهکار
۴۶	مبحث چهارم: علل و عوامل بزه‌دیدگی کودکان
۴۷	گفتار اول: علل و عوامل درونی بزه‌دیدگی کودک
۴۸	بند اول: عوامل روحی و روانی
۴۸	بند دوم: صفات شخصیتی
۵۰	بند سوم: نگرش‌ها و باورها
۵۰	بند چهارم: عصیان و کج رفتاری
۵۱	گفتار دوم: علل و عوامل بیرونی بزه‌دیدگی کودکان
۵۱	بند اول: عوامل اجتماعی
۵۳	بند دوم: عوامل محیطی
۵۵	بند سوم: گروه همسالان و معاشرین
۵۶	بند چهارم: غفلت آموزشی
۵۹	<b>فصل دوم: ماهیت، علل و عوامل و آثار بزه‌دیدگی کودکان در مدارس</b>
۶۰	مبحث اول: انواع بزه‌دیدگی در مدارس
۶۰	گفتار اول: بزه‌دیدگی جسمی در مدارس

۶۱	بند اول: قتل
۶۲	بند دوم: ضرب و جرح
۶۴	گفتار دوم: بزه دیدگی روانی
۶۴	بند اول: افسردگی
۶۵	بند دوم: اعتیاد به مواد مخدر
۷۱	گفتار سوم: بزه دیدگی جنسی
۷۵	گفتار چهارم: بزه دیدگی معنوی ناشی از نقض حقوق تحصیلی اطفال
۷۶	مبحث دوم: علل و عوامل خاص بزه دیدگی کودکان در مدارس
۷۷	گفتار اول: پیش زمینه‌های فردی تشدید کننده بزه دیدگی
۸۲	گفتار دوم: تنبیه
۸۳	بند اول: مفهوم تنبیه
۸۳	بند دوم: انواع تنبیه
۹۰	گفتار سوم: زور گویی و پر خاشگری
۹۴	گفتار چهارم: عدم قوانین و مقررات حمایتی از کودکان
۹۶	گفتار پنجم: فرهنگ آموزش و تربیتی غلط
۹۷	مبحث سوم: آثار، ابعاد و پیامدهای بزه دیدگی کودکان در مدارس
۹۷	گفتار اول: تأثیر بزه دیدگی بر روی سلامتی
۹۸	بند اول: عوارض جسمی در بزه دیدگی
۹۸	بند دوم: عوارض روانی در بزه دیدگی
۱۰۱	گفتار دوم: تأثیرات اجتماعی بزه دیدگی
۱۰۲	گفتار سوم: تأثیرات بزه دیدگی بر رشد و پیشرفت تحصیلی
۱۰۲	بند اول: افت تحصیلی
۱۰۵	بند دوم: فرار از محیط مدرسه
۱۰۶	بند سوم: ترک تحصیل
۱۰۹	<b>فصل سوم: قوانین و مقررات کیفری و اجرایی ناظر بر بزه دیدگی کودکان در مدارس</b>
۱۱۰	مبحث اول: قوانین و مقررات کیفری ناظر بر بزه دیدگی کودکان
۱۱۲	گفتار اول: قوانین و مقررات کیفری ماهوی ناظر بر بزه دیدگی کودکان
۱۱۳	بند اول: قوانین کیفری ناظر بر بزه دیدگی جسمی کودکان
۱۱۴	الف) ضرب و جرح و قتل

- ۱۱۵ ..... (ب) تنبیه بدنی
- ۱۱۸ ..... بند دوم: قوانین کیفری ناظر بر بزه‌دیدگی روانی و معنوی کودکان
- ۱۱۹ ..... الف) تعرض، مزاحمت و توهین کودکان
- ۱۲۱ ..... (ب) جرایم مربوط به مواد مخدر
- ۱۲۳ ..... (ج) نقض حقوق تحصیلی اطفال
- ۱۲۸ ..... بند سوم: قوانین کیفری ناظر بر بزه‌دیدگی جنسی کودکان
- ۱۲۹ ..... الف) زنا با طفل
- ۱۳۱ ..... (ب) لواط با طفل
- ۱۳۲ ..... (ج) تفخیز طفل
- ۱۳۲ ..... (د) پدوفیلی
- ۱۳۷ ..... گفتار دوم: قوانین و مقررات کیفری شکلی ناظر بر بزه‌دیدگی کودکان
- ۱۳۸ ..... بند اول: در مقام کشف جرم
- ۱۴۰ ..... الف) پلیس تعلیم دهنده
- ۱۴۲ ..... (ب) الگوی پلیس مدارس
- ۱۴۴ ..... (ج) مأموران مخفی پلیس در مدارس
- ۱۴۵ ..... (د) همکاری پلیس و مدارس
- ۱۴۷ ..... بند دوم: در مرحله تعقیب
- ۱۴۷ ..... بند سوم: در مرحله تحقیق
- ۱۵۰ ..... بند چهارم: در مرحله رسیدگی
- ۱۵۵ ..... بند پنجم: در مرحله صدور حکم
- ۱۵۷ ..... بند ششم: در مرحله اجرای حکم
- ۱۵۹ ..... مبحث دوم: قوانین و مقررات و تدابیر اجرایی
- ۱۶۰ ..... گفتار اول: تدابیر ناظر بر حذف و خنثی سازی عوامل بزه‌دیده‌زا
- ۱۶۱ ..... بند اول: پیشگیری از طریق نقش معلم و مدیریت
- ۱۶۴ ..... بند دوم: پیشگیری از طریق آموزش به دانش آموزان
- ۱۶۵ ..... بند سوم: پیشگیری با تکیه بر نقش دانش آموزان
- ۱۶۷ ..... بند چهارم: پیشگیری از طریق شناسایی کودکان مستعد بزه‌دیدگی و ایمن سازی آنان
- ۱۷۰ ..... گفتار دوم: پیشگیری از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزشی
- ۱۷۱ ..... بند اول: ایجاد فضای امن در ساختمان مدارس

۱۷۲	..... بند دوم: بالا بردن امنیت در محیط‌های اطراف مدارس
۱۷۴	..... نتایج
۱۷۷	..... پیشنهادات
۱۸۰	..... فهرست منابع و مأخذ
۱۸۸	..... ضمیمه شماره ۱
۲۰۶	..... ضمیمه شماره ۲
۲۰۶	..... منشور ملی حقوق دانش آموز



## الف) بیان موضوع

کودکان و نوجوانان، زمان قابل توجهی از دوره کودکی و نوجوانی را تحت مراقبت مسئولین و معلمان در پیش دبستانی، مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان‌ها می‌گذرانند. مانند والدین، بزرگسالانی که مسئول نظارت، مدیریت و آموزش و تربیت در این مراکز هستند، وظیفه دارند تا محیطی امن و سازنده برای حمایت از آموزش، تربیت و رشد کودکان فراهم نمایند. همچنین وظیفه دارند این امر را تضمین کنند که این رشد و آموزش، از کودکان، بزرگسالانی مسئول می‌سازد که از ارزش‌هایی مانند عدم توسل به خشونت، احترام متقابل و عدم اعمال تبعیض پیروی می‌کنند.

اعمال خشونت در مدارس قابل پیشگیری است و به هیچ عنوان نباید از کنار آن به سادگی عبور کرد. این واقعیت را نباید نادیده گرفت که خشونت در مدارس باعث محروم شدن از حق آموزش در مدارس برای کودکان خواهد شد.

در این پایان نامه سعی می‌شود با مرور انواع بزه‌دیدگی که در مدارس و محیط‌های مربوط به آن رخ می‌دهد، پیشگیری کیفی ارائه شده از سوی نظام حقوقی و قضائی، در جهت پشتیبانی از کودکان بزه‌دیده در محیط مدرسه و همچنین محیط‌های مرتبط با آن، مورد بررسی قرار گیرد.

## ب) مسأله اصلی، سؤالات فرعی

مدارس از یک سو محیطی بسیار پویا در جهت شکل‌گیری شخصیت کودکان دارند و از سوی دیگر می‌توانند بستری مناسب در جهت بزه‌دیدگی کودکان محسوب شوند. غیر از مواردی که در این محیط کودکان را تهدید می‌کند، عواملی نیز وجود دارد که بزه‌دیدگی را موجب گشته و یا آن را تشدید می‌کند. از این رو حمایت‌های کیفی در پیشگیری از این موارد بسیار مؤثر خواهد بود. بنابراین در تحقیق پیش رو سؤالات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مهمترین گونه‌های بزه‌دیدگی کودکان در محیط مدارس کدامند؟

۲- علل و عوامل بزه‌دیدگی کودکان در مدارس کدام است؟

۳- آیا تضمینات پذیرفته شده در قوانین و مقررات کیفری ایران در ارتباط با بزه‌دیدگی کودکان در مدارس کافی و مناسب است؟

### ج) فرضیه‌ها

۱- از جمله مسائلی که باعث بزه‌دیدگی کودکان در مدارس می‌شود می‌توان به ضرب و جرح، قتل، اعتیاد به مواد مخدر و آسیب‌های جنسی اشاره نمود.

۲- علل و عوامل بسیاری چون فرهنگ آموزشی و تربیتی غلط، عدم قوانین و مقررات حمایتی، تنبیه، پرخاشگری و زورگویی می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌ها در مدارس و محیط‌های آموزشی گردد.

۳- هر چند تاکنون گام‌های مثبتی در نظام حقوقی ایران در جهت حمایت از بزه‌دیدگی کودکان برداشته شده است، اما در زمینه بزه‌دیدگی کودکان در مدارس، تضمینات پذیرفته شده در نظام حقوقی و کیفری کافی و مناسب نمی‌باشد.

### د) سابقه و پیشینه تحقیق

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که در گذشته، در جرایم کیفری توجه چندانی به بزه‌دیده نمی‌گردید، در سال‌های اخیر علمی به عنوان، بزه‌دیده شناسی وارد عرصه حقوق کیفری گردید و بزه‌دیده نیز به عنوان نیمی از یک رخداد جنایی مورد توجه خاص قرار گرفته است. هر چند کودکان تا سال‌های اخیر به هیچ عنوان در زمره بزه‌دیدگان قرار نداشتند، ولی با گذشت زمان، توجه دولتمردان و قانونگذاران به سمت کودکان معطوف شد و کودکان نیز مورد توجه قرار گرفتند. در مورد بزه‌دیدگی کودکان در مدارس نیز، متأسفانه چه در کشور ما و چه در سایر کشورها، هیچگونه سابقه تاریخی موجود نیست. در سال‌های اخیر نیز با این که کودکان در کانون توجه قرار گرفته‌اند، اما باز در مورد بزه‌دیدگی کودکان در محیط مدارس، تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده، هیچ گونه پژوهش و بررسی در کشور ما صورت نگرفته است. در سال‌های اخیر جامعه بین‌المللی و بسیاری از کشورهای جهان، در زمینه حفاظت از کودکان در محیط مدارس اقداماتی انجام داده‌اند؛ با این وجود تحقیقات در این زمینه، چشمگیر نمی‌باشد.

### ه) ضرورت انجام تحقیق

از سویی آنچه در بیان پیشینه تحقیق آمد، ضرورت تحقیق کنونی را آشکار می‌سازد؛ از سوی دیگر

امروزه دیگر نگاه قوانین و سازمان‌های قضایی تنها بر بزه کار نیست، بلکه بزه‌دیده نیز به عنوان نیمی از مسأله مورد توجه قرار گرفته است، زیرا اگر بزه‌دیده از حمایت کافی برخوردار نباشد، خود ممکن است در نقش بزهکاری خطرناک‌تر به جامعه باز گردد. در این میان کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؛ چرا که آنان آینده سازان اجتماع می‌باشند و نبودن حمایت کافی و به موقع از این قشر ضعیف و آسیب‌پذیر، به ویژه در مدارس یعنی مهمترین مکانی که شخصیت اجتماعی آنان شکل می‌گیرد، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد آورد. لذا وجود قوانین کیفری محکم و قانونی و همچنین پیشگیری از بروز هر گونه آسیب در این محیط بر کودکان و نوجوانان، احساس می‌شود و این امر نیاز به تلاش و مطالعه پیگیر در این زمینه دارد.

### **(و) اهداف و کاربردها**

این تحقیق، علاوه بر تبیین انواع بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در مدارس ایران و علل و عوامل آنها، بررسی مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف قوانین کیفری ایران در ارتباط با بزه‌دیدگی کودکان، در مدارس را نیز مورد توجه قرار داده است. از این رو، این تحقیق می‌تواند مورد استفاده دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و نهادهای تقنینی و قضایی کشور باشد.

### **(ز) روش انجام تحقیق**

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی انجام گرفته است.

### **(ح) سازمان‌دهی تحقیق**

با توجه به آنچه در فرضیه و اهداف تحقیق گذشت، همچنین ضرورت بیان کامل انواع و علل و عوامل بزه‌دیدگی کودکان در مدارس و نیز ذکر مقررات و قوانین کیفری، بر آن شد، تا این پایان‌نامه در سه فصل کلی ارائه گردد. بنابراین بعد از آورده شدن طرح تحقیق عنوان مقدمه، در فصل اول به کلیات بحث در زمینه تعاریف موجود از کلمات کلیدی پرداخته شده است.

در فصل دوم، انواع بزه‌دیدگی کودکان در مدارس و علل و عوامل بروز آن مورد بررسی قرار گرفته است و در آخر موضوع فصل سوم، پیشگیری کیفری ارائه شده در قوانین و مقررات در مورد بزه‌دیدگی

کودکان مطرح گردیده است. لازم به ذکر است که در انتهای فصل سوم نیز نگاهی گذرا به پیشگیری‌های غیر کیفی در این زمینه نیز گردیده است.

فصل اول:

کلیات

## مبحث اول: مفاهیم

رشد و جامعه پذیری کودکان، از روزی که به دنیا می‌آیند تا زمانی که به رشد کامل رسیده و به درجه کمال می‌رسند، از مراحل متوالی و به هم پیوسته‌ای تشکیل می‌شود که می‌توان آن را نشأت گرفته از یک تاریخ واحد دانست؛ زیرا هر یک از مراحل زندگی از دوره قبل تأثیر گرفته و در دوره بعدی رشد نیز مؤثر خواهد بود، به همین دلیل است که ارکان اصلی زندگی هر انسانی به کیفیت دوران کودکی وی بستگی دارد. بنابراین توجه به دوران کودکی بسیار حائز اهمیت است، زیرا باعث موفقیت و یا بروز کج روی‌ها و آسیب‌ها در آینده خواهد شد. در این مبحث سعی بر آن شد، تا علاوه بر تعریف کودکی، بزه‌دیدگی کودک نیز مورد بررسی قرار گیرد تا راهگشای شناخته تأثیر این عوامل بر شخصیت کودک باشد.

## گفتار اول: کودک

کودک از دیدگاه‌های متفاوتی از جمله: جامعه‌شناسی، روانشناسی، زیست‌شناسی و فقه و حقوق مورد بررسی قرار گرفته است، و هر یک از اندیشمندان به نوعی کودک را تعریف کرده‌اند.

کودک از نظر لغوی به معنای کوچک و صغیر، طفل و بچه خرد، پسر باشد یا دختر، که به حد بلوغ نرسیده باشد گفته می‌شود.<sup>۱</sup> به طور کلی کودک در لغت عبارت است از هر پسر و دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد. دوران کودکی از دوران بارداری شروع و تا بلوغ ادامه دارد.<sup>۲</sup>

از دیدگاه فقهی «صغیر کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد».<sup>۳</sup> در اصطلاح حقوقی نیز طفل به کسی گفته می‌شود که از نظر سنی به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی نرسیده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز واژه طفل و کودک به کار رفته است. از دیدگاه روانشناسی طفولیت در برگیرنده دورانی است که از خردسالی شروع و در زمانی که فرد واجد شخصیت اجتماعی می‌شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می‌گیرد، پایان می‌یابد. در قوانین کشورهای مختلف جهان، تعریف کودک از دیرباز تا کنون متغیر بوده است و در حال حاضر نیز در کشورهای مختلف سن کودکی تا ۱۷ سال است.<sup>۴</sup>

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۳۹، تهران، چاپ سیروس، تیرماه ۱۳۵۱، ۳۱۶.

۲- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، ۱۱.

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، ۶ و ۷.

۴- معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر، ۱۳۸۸، ۵۲ و ۵۳.

از آنجا که قوانین کشور ما براساس دین مبین اسلام است پس تعریف کودک از دیدگاه فقه بر آن تأثیر به سزایی دارد. بنابراین جا دارد تعریف کودک از دیدگاه فقهی و بعد تعریف از دیدگاه حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

### بند اول: کودک از دیدگاه فقه

کودک حاصل زندگی مشترک پدر و مادر است که بر اساس یک پیوند مقدس در کنار هم قرار گرفته اند. فرزندان حق حیات، رشد، کمال و پیشرفت و... را دارند و این مسأله به طور مکرر در کتاب آسمانی ما قرآن و کلام معصومین و دستورات دینی بیان گردیده و رعایت حقوق کودکان بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

در قرآن مجید بر طبق آیه ۵ سوره حج خداوند نوزادی را که در شکم مادر روح در کالبدش دمیده شده است و زنده متولد می گردد طفل نامیده است؛<sup>۱</sup> تا زمانی که به حد بلوغ و رشد شرعی برسد. بنابراین از دیدگاه قرآن زمان شروع کودکی همان زمان دمیدن روح در بدن جنین است.

با توجه به آیات و روایات موجود درباره کودک و آغاز و پایان دوران کودکی، اکثر فقها طفل را کسی دانسته اند که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.<sup>۲</sup>

البته لازم به ذکر است که علما کودکی را به لحاظ تربیتی به سه دوره تقسیم کرده اند که دو دوره آن در دوران کودکی است که عبارتست از:

الف) از ولادت تا هفت سالگی: کودک در این دوره غیر ممیز نامیده می شود که اکثر قریب به اتفاق علماء در این دوره توافق دارند که کودک به دلیل عدم تشخیص و تمیز خوب و بد اعمال خود دارای هیچ مسئولیتی نمی باشد.

---

۱ - آیه ۵ سوره حج می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ...» در آیه فوق مراحل هفتگانه زندگی انسان را تشریح کرده است. مرحله اول زمانی که خاک بود، و مرحله دوم نطفه است و مرحله سوم نطفه به مرحله علقه می رسد و مرحله چهارم جنین شکل یک قطعه گوش جویده شده به خود می گیرد و مرحله پنجم و ششم و هفتم جنین که بعد از تولد صورت می گیرد، یعنی به طفولیت، بلوغ و پیری اشاره کرده است. (برای اطلاع بیشتر ر. ک به: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، ۲۲-۲۴).

۲ - موسوی بجنوردی، محمد، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی فلسفی، اجتماعی (۳)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ۳۷.

ب) از هفت سالگی تا ظهور بلوغ: طفل در این دوره کودک ممیز نامیده می‌شود. کودک ممیز کودکی است که می‌تواند خوب و بد را از هم تشخیص بدهد و بین نفع و ضرر خود فرق بگذارد. قابل ذکر است که در مورد سن بلوغ که در اسلام پایان دوران کودکی شناخته شده است در میان علماء اختلاف نظر وجود دارد. قرآن مجید سن مشخصی را در این مورد بیان نکرده ولی به اصل این موضوع اشاره کرده است؛ اما با توجه به آیات می‌توان دریافت که قرآن در امر بلوغ، هم رشد جسمی و هم رشد روحی و عقلانی را مورد توجه قرار داده است و در آیات متعددی نیز این مسأله را بیان نموده است؛ از جمله می‌توان به آیه ۳۴ سوره اسراء اشاره نمود که می‌فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ»

«به مال یتیم نزدیک نشوید مگر از طریق صحیح و درست تا زمانی که او به حد رشد و قوت برسد» در بین فقهای مذاهب مختلف نیز سن بلوغ متفاوت است به طوری که شافعیه و حنابله سن بلوغ را هم برای پسر و هم برای دختر ۱۵ سال می‌دانند. مالکیه سن بلوغ در پسر و دختر را ۱۷ سالگی دانسته‌اند و حنفیه سن بلوغ را در پسر ۱۸ سال و در دختر ۱۷ سالگی دانسته‌اند. البته عنوان این سنین برای بلوغ بر اساس تعریف این مذاهب از بلوغ شرعی می‌باشد، اما با توجه بر آیات و احادیث و نظریات فقهای اسلام همه سن بلوغ را پایان دوران کودکی اعلام کرده‌اند. پس بر اساس اسلام می‌توان عنوان کرد که پایان کودکی همان شروع سن بلوغ می‌باشد که بر اساس میزان سنی است که در شرع بیان شده است. بر اساس مذهب شیعه که مذهب رسمی کشور ماست و قانون نیز بر اساس آن تدوین گردیده است سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری می‌باشد.

### **بند دوم: کودک از دیدگاه قانون**

قوانین ایران، تعریف جامع و کاملی از کودک نکرده است؛ در نتیجه مرز کودکی و بزرگی به طور کامل مشخص نیست. در پاره‌ای از مواد قانونی پایان کودکی رسیدن به سن بلوغ است و در پاره‌ای از مواد قانونی دیگر، پایان کودکی رسیدن به سن رشد است که شاخصه‌های آن عقلی و دماغی است. در مواردی هم قانونگذار حداقل سن را برای اشتغال در مراکز تولیدی تعیین کرده است و همچنین در



مواردی از قانون حداقل سن برای شرکت در انتخابات و همه پرس‌ی اعلام شده است.<sup>۱</sup> از آنجا که ایران به کنوانسیون حقوق کودک نیز پیوسته است، جا دارد در ابتدا کودک از نظر قانون و سپس کودک از دیدگاه کنوانسیون مورد بررسی قرار بگیرد.

### الف) کودک از نظر قوانین ایران

از نظر علمای حقوق «طفل یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سنی به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد».<sup>۲</sup> چون حیات واقعی انسان با تولد شروع می‌گردد، بنابراین دوران کودکی نیز با تولد آغاز می‌شود. ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد، «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود».

قبل از انقلاب اسلامی ایران در ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین مصوب (۱۳۱۳ هـ.ش) افراد کمتر از ۱۸ سال شمسی را غیر رشید معرفی کرده بود. کتاب دهم قانون مدنی ایران مصوب مهر و آبان (۱۳۱۴) نیز راجع به سن بلوغ مطلب صریحی را عنوان نکرده بود و فقط بر اساس مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ رسیدن به ۱۸ سالگی را موجب احراز رشد قرار داده بود. بعد از انقلاب اسلامی و تغییر در قانون در سال ۱۳۶۱ ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی حذف گردید و ماده ۱۲۱۰ ق.م به این صورت اصلاح گردید: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر این که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد».<sup>۳</sup>

در سال (۱۳۷۰) دو تبصره به ماده ۱۲۱۰ ق.م الحاق شد که در تبصره ۱ آن سن بلوغ در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری اعلام گردید و در تبصره ۲ این ماده بیان شد: «اموال صغیری را که بالغ شده در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد». چنان که پیداست بین ماده و تبصره ۲ آن تعارض وجود دارد، زیرا بر طبق ماده سن بلوغ اماره رشد است ولی بر طبق تبصره ۲ رشد نیاز به اثبات دارد و صرف رسیدن به بلوغ کافی نیست؛ این مسأله به این دلیل است که قانون رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ که سن ۱۸ سالگی را اماره رشد می‌دانسته هنوز باقی است و نسخ نشده است و ادعای نسخ آن نیز

۱- آبروشن، هوشنگ، **کودک آزاری و کنوانسیون حقوق کودک**، تهران، آثار اندیشه، زمستان ۱۳۸۷، ص ۳۵.

۲- موسوی بجنوردی، محمد، پیشین، ۳۹.

۳- ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، اصلاحی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴.

درست نیست، و اما ماده ۱۲۱۰ ق.م با قانون رشد متعاملین قابل جمع است؛ زیرا تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م در مقام بیان لزوم اثبات رشد بعد از ۱۵ سالگی برای پسر و ۹ سالگی برای دختر تا قبل از ۱۸ سالگی است و قانون رشد متعاملین بیانگر لزوم اثبات رشد پس از ۱۸ سالگی تمام است مگر خلاف آن ثابت شود. همچنین بر اساس تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۸۰ منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

با وجود ماده ۱۲۱۰ ق.م. و همچنین تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، دیگر قوانین هنوز سن رشد را ۱۸ سالگی می‌دانند؛ از جمله قانون راهنمایی رانندگی، قانون نظام وظیفه، صدور گذرنامه و... و در عمل نیز قضات بیشتر متمایل به اجرای سن ۱۸ سالگی در مسئولیت اطفال می‌باشند. بند ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاص که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده اند از حمایت قانونی مذکور در این قانون بهره مند می‌شوند». با توجه به موارد عنوان شده می‌توان گفت که سن واحدی برای پایان دوره کودکی در قوانین کشور ما وجود ندارد؛ سن سربازی ۱۸ سال، سن رای ۱۶ سال، سن شرعی ازدواج ۱۵ سال و سن شروع به کار ۱۴ سال تعیین شده و جایگاه هیچ یک به طور دقیق تبیین نگردیده است؛ پس به طور کلی می‌توان گفت قانونگذار در مورد محدوده سنی به سه روش عمل کرده است:

«الف- قوانینی که به ذکر عنوان صغیر، نابالغ، طفل و کودک اکتفا کرده و به سن خاصی اشاره نکرده است. از جمله مواد ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳ و ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی. برطبق این مواد کودک، همان تعریف بند ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی را دارا است و اگر حمایتی شده باشد بر اساس همین سن است.

ب- دسته دوم قوانین که در آنها بدون اینکه به صغیر یا کبیر اشاره شده باشد، سن تصریح شده؛ مثل ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی که سن مجنی علیه را ۱۵ سال تعیین کرده و آن را موجب تشدید مجازات دانسته؛ یا مطابق مواد ۷۹ و ۱۷۶ قانون کار که به کار گرفتن افراد کمتر از ۱۵ سال را جرم محسوب و تحت شرایطی مشمول مجازات کرده است.

ج- موادی که قانونگذار بدون اشاره به کلمه طفل، افراد زیر ۱۸ سال را مشمول حمایت کیفری خاص نموده است. مانند ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱.<sup>۱</sup>

به بیان دیگر می‌توان دریافت که تناقضاتی در قوانین ایران در تعریف کودک و سن آن وجود دارد که بازنگری درست و منطقی را در این زمینه می‌طلبد، تا ابهامات موجود به طور کامل برداشته شود.

#### ب) کودک از نظر کنوانسیون حقوق کودک

بر اساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک: «منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی، کمتر تعیین شده باشد» کنوانسیون در تعریف کودک فقط معیار سن را ملاک تمایز کودک از بزرگسال قرار داده و دیگر موارد از جمله عقل و رشد را در نظر نگرفته است.

اشاره تدوین کنندگان به زیر هجده سال بیانگر این است که کودکی از لحظه تولد تا رسیدن به این سن است و در سنین مختلف نیازها و تواناییها و قابلیت‌های فرد متفاوت است.<sup>۲</sup>

در کنوانسیون حقوق کودک پایان کودکی مشخص شده، اما نسبت به زمان شروع کودکی سن خاصی در نظر گرفته نشده است و در واقع این مطلب عنوان نگردیده است شاید این امر به دلیل اختلاف در قوانین داخلی کشورها در مورد شروع سن کودکی باشد.

کنوانسیون ۱۸ سالگی را پایان کودکی قرار داده، زیرا هیجده سالگی را مرز بین کودکی و بزرگسالی معرفی کرده که همان سن رشد است و کودک به مرحله‌ای از زندگی می‌رسد که توانایی و درک لازم برای خروج از دوران کودکی و ورود به بزرگسالی و استقلال در اعمال حقوقی را دارا می‌شود. اما باید توجه داشت که کنوانسیون بر اساس موقعیت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی کشورها، دست دولت‌ها را برای تعیین سن کودکی نیز باز گذاشته است.

سازمان علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در سال (۱۹۷۲ م) با انجام تحقیقاتی که تحت عنوان حق و مسئولیت‌های جوانان، در ۴۵ کشور جهان از جمله ایران انجام داد، نتیجه گفت که «قوانین کشورهای

---

۱- زینالی، امیر حمزه، **حقوق کودک**، جزوه درسی، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی، نیمسال اول ۸۹-۱۳۸۸، ۱۴.

۲- مصفا، نسرین، **کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران**، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۳، ۱۲۰.

مختلف درباره تعیین سن رشد تفاوت کمی با یکدیگر دارند، در اغلب این کشورها سن رشد به معنی سنی است که در آن نظارت والدین پایان می‌پذیرد و جوانان افرادی شناخته می‌شوند که مستقلاً در فعالیت‌های مربوط به زیست اجتماعی مشارکت می‌نمایند. این سن در اغلب کشورها ۲۱ سال تعیین شده هر چند تمایل به پایین آوردن آن روز به روز افزایش می‌یابد<sup>۱</sup> بنابراین دولت ایران نیز می‌تواند ضمن پذیرفتن کنوانسیون حقوق کودک به استناد قانون داخلی، سنی متفاوت با کنوانسیون را برگزیند و به آن عمل نماید.

هر چند به دولت‌ها این اختیار داده شده که سن کمتر از ۱۸ سال را در قوانین خود لحاظ کنند اما در مواردی که ممکن است حمایت از کودک به طور مستقیم و یا غیر مستقیم تحت الشعاع سن کودک قرار گیرد کنوانسیون به طور صریح و یا ضمنی به رعایت سن عنوان شده در کنوانسیون تاکید نموده، از جمله سن مسئولیت کیفری و همچنین ممنوعیت مجازات اعدام و حبس ابد برای افراد زیر ۱۸ سال است.

بنابراین در مجموع کنوانسیون:

«۱- کودک را زیر ۱۸ سال می‌داند.

۲- کودک اعم از دختر و پسر، بدون تفاوت است.

۳- اصل بر اختیار دولتها در تعیین سن بلوغ است مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی، ایجاب نماید که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد.

۴- در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد مطرح شده و مورد حکم نبوده اند مانند: کودک مجنون یا افرادی که در سن پایین‌تر از ۱۸ سالگی به مرحله بزرگسالی می‌رسند»<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: مدرسه

تعلیم و تربیت همواره جزء لاینفک از زندگی بشر بوده و هست. در زمان گذشته که مردم به صورت ابتدایی‌تر زندگی می‌کردند، آموزش کودکان در خانه و توسط والدین آنان صورت می‌گرفت، در بسیاری از تمدن‌های بزرگ دنیا، سواد آموزی مخصوص خاندان اشراف و بزرگان بود و خانواده‌های سطح پایین از این نعمت محروم بودند. بعد از گذشت سالیان دراز و شکل گرفتن زندگی شهری نیاز به

۱- موسوی بجنوردی، محمد، پیشین، ۶۰-۵۶.

۲- مصفا، شیرین، پیشین، ۱۲۱.